

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۰۳ مارچ ۲۰۱۷

تفسیر احمد- ۳۳

ترجمه و تفسیر سورة الاخلاص - ۳

تداوی با سورة اخلاص :

در این هیچ جای شک نیست که سراسر قرآن عظیم الشان نسخه کاری برای تداوی امراض به شمار می رود. قرآن عظیم الشان، وحی الهی و کتاب دین و عقیده و توحید و نسخه کامله تداوی دردهای اجتماعی و کتاب حکمت و بشارت و موعظه و هدایت و در کل، کتاب حیات و زندگی و راهنمای راه کمال دنیا و آخرت و عروج به معارج بلند انسانی و روحانی است.

قرآن عظیم الشان نسخه ای بی بدیل و شفا بخش برای نجات جوامع بشری و اصلاح روش های زندگی است و به استوارترین راه رهنمون می شود.

« إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ » (سورة اسراء آیت ۹) (این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند).

قرآن پیش از این که کتاب چهارده قرن گذشته باشد، کتاب این عصر و عصرهای آینده است و احترام به آن، التزام به دستورات قرآن و به کار بستن تعالیم آن است.

شفاء بودن قرآن فقط برای کسانی است که ایمان آورده و جزء ظالمین نباشند؛ که البته میزان ایمان شنونده آن نیز، در میزان کسب آرامش از قرآن کریم بسیار مؤثر است و همچنین عدم ایمان به آن نیز نتیجه عکس می دهد: « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ » (سورة انفال/۲) (مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند).

و در مقابل کسانی که ایمان به خدا ندارند هیچ بهره و آرامش و افزایش ایمانی را از استماع آیات نخواهند داشت: « وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ أَيْدِيكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَأَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ » (سورة توبه/۱۲۴) و چون سوره ای نازل شود از میان آنان کسی است که می گوید این (سوره) ایمان کدام يك از شما را افزود اما کسانی که ایمان آورده اند بر ایمانشان می افزاید و آنان شادمانی می کنند»

خواندن سوره اخلاص و معوذتین (فلق و ناس) و فاتحه و دیگر سوره های قرآنی بر مریض از دعاهای جایز است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن را انجام داده و صحابه اش وقتی این کار را کرده اند آنها را تأیید کرده است. بخاری و مسلم از عائشه روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مرضی که به وفات ایشان انجامید معوذات (سوره اخلاص و معوذتین) را بر خود می خواند.

حضرت بی بی عائشه می گوید: وقتی پیامبر مریضی اش شدت گرفت و نمی توانست این سوره ها را بخواند، من آنها را می خواندم و ایشان را دم می کردم و دست ایشان را بر بدنش می کشاندم» معمر می گوید: از امام زهری پرسیدم پیامبر چگونه دم می کرد؟ او گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم بر دستهای خودش دم می کرد و سپس دستهایش را بر چهره اش می مالید» (بخاری (۵۷۳۵) و أطرافه فی (۲۲۷۶) مسلم (۲۱۹۲))

بخاری از ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند که افرادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم بر قبیله ای از قبیله های عرب وارد شدند، آنها اصحاب را پذیرائی نکردند، در همین اثنا ماری سردار قبیله را گزید، آنها به اصحاب گفتند: آیا شما دارو یا دعا خوانی همراه دارید، گفتند: شما ما را مهمانی نکردید و تا وقتی که برای ما مزدی مقرر نکنید برایتان دعا نمی خوانیم، آنگاه آنها تعدادی گوسفند را به عنوان مزد برای آنها مقرر کردند، آنگاه یکی از اصحاب سوره فاتحه را خواند و همراه با آب دهانش بر آن بیمار دم می کرد و او بهبود یافت، آنها گوسفندان را آوردند و به اصحاب تحویل دادند، اصحاب گفتند از آن استفاده نمی کنیم تا وقتی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم بپرسیم، وقتی که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمدند، از ایشان سؤال کردند، پیامبر خندید و فرمود: «وَمَا أَدْرَاكَ أَنَّهَا رُقِيَةٌ خُدُوهَا وَاضْرِبُوا لِي بِسَهْمٍ» «چطور دانستی که سوره فاتحه دعا است، گوسفندان را بردارید و سهمیه ای از آن به من هم بدهید» بخاری (۵۷۳۶)، مسلم (۲۲۰۱).

در حدیث اول ذکر شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در مریضی اش بر خود برخی از سوره ها را می خواند، و در حدیث دوم ثابت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل صحابه را تأیید کرد.

رقی چیست :

رقی جمع رقیه است و آن خواندن اوراد و دمیدن در آن به منظور شفاء یافتن و سلامتی کسب کردن است. رقی نمی کند از قرآن کریم یا از دعاهای مأثور پیامبر باشد.

حکم آن: جایز است: از عوف بن مالکت روایت است که گفت: «كُنَّا نَرُقِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ تَرَى فِي ذَلِكَ فَقَالَ عَرِّضُوا عَلَيَّ رُقَاكُمْ لَا بَأْسَ بِالرُّقِيِّ مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ شِرْكٌ» (صحیح مسلم (۲۲۰۰)). «ما در زمان جاهلیت رقیه می کردیم. گفتیم: ای رسول خدا آن را چگونه می بینی؟ فرمود: رقیه هایتان را برایم وصف کنید اگر در آن شرک نباشد اشکالی ندارد» و از انس بن مالکت روایت است که گفت: «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الرُّقِيَةِ مِنَ الْعَيْنِ وَالْحَمَةِ وَالنَّمْلَةِ» صحیح مسلم (۲۱۹۶).

«رسول الله صلی الله علیه وسلم اجازه رقیه را برای عین، حمه و نمله داده است».

«العین» یعنی کسی که به اذن خداوند با چشمش به دیگری ضرر می رساند. «الحمة» همان سم (زهر) است در تمام چیزهایی که سم وجود دارند مانند نیش مار، عقرب یا مانند اینها اجازه رقیه داده شده است. «النملة» جراحته که از پهلو خارج می شود (

و از جابر بن عبداللہ روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْفَعَ أَخَاهُ فَلْيَفْعَلْ» صحیح مسلم (۲۱۹۹). «هرکس می تواند که به برادرش نفع برساند پس این کار را انجام دهد». و از عائشه (رضی الله عنها) روایت است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ إِنْسَانٌ مَسَحَهُ بِيَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ أَذْهَبِ الْبَاسَ رَبَّ النَّاسِ وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سَقَمًا» صحیح بخاری (۵۷۴۳)، و صحیح مسلم (۲۱۹۱).

«هنگامی که یکی از ما از دردش به رسول الله صلی الله علیه وسلم شکایت می کرد با دست راستش آن را مسح می نمود سپس می فرمود: ای پروردگار مردم! مریضی اش را برطرف ساز و چنان شفائی عنایت کن که هیچ گونه مریضی باقی نماند. چرا که تو شفاء دهنده هستی و هیچ شفائی، به جز شفای تو وجود ندارد».

شرطهای آن:

برای جایز بودن و درستی رقیه سه شرط لازم است:

اول این که: معتقد نباشد که آن چیز به ذات خود بدون اذن خداوند به او نفع می رساند. اگر معتقد باشد که آن بدون اذن خداوند و به ذات خودش به او نفع می رساند آن حرام است بلکه آن شرک است. باید معتقد باشد که آن سبب بدون اذن خداوند به او نفعی نمی رساند.

دوم این که: چیزی نباشد که مخالف شریعت خداوند باشد مانند این که محتوای دعا نباید درخواست از غیر خداوند یا استغاثه از جن و آن چیزی هائی که شبیه آن است باشد که اگر اینگونه باشد حرام است بلکه شرک می باشد. **سوم این که:** دارای مفهوم و معنای معلومی باشد اگر از نوع طلسم یا سحر باشد در این صورت جایز نیست. از امام مالک- سؤال شد: آیا مرد می تواند رقیه کند و از او درخواست رقیه نمود؟ امام فرمود: اگر با کلام پاک باشد اشکالی ندارد.

رقیه ممنوع :

تمام رقیه هائی که در آن شرطهای گفته شده وجود نداشته باشد مانند این که رقیه کننده یا کسی که برایش رقیه می شود معتقد باشد که آن به ذات خود به او نفع می رساند و تأثیر دارد؛ یا این که مشتمل بر کلمات شرکی و توسل های کفری و کلمات بدعی و مانند اینها باشد یا با کلمات نامفهوم مانند طلسم و چیزهائی مانند اینها باشد حرام و ممنوع می باشند.

معالجه به رقیه بهتر است و یا رفتن نزد داکتر

اولاً: در سنت نبوی بر مداوا و معالجه مرض تشویق و ترغیب به عمل آمده است ، طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «تداووا فان الله عز وجل لم يَضَعْ داء إلا وَضَعَ له دواء غير داء واحد أَلْهَرَمَ».

یعنی: (مریض های خود را) مداوا کنید، چرا که خداوند عزوجل هیچ درد و مرضی را قرار نداده مگر آن که برای آن درمانی نیز قرار داده است به جز یک درد و آنهم پیری و کهنسالی است. (به روایت امام احمد و ابوداؤد و ترمذی و ابن ماجه).

و در روایت دیگر از امام احمد آمده: «تداووا عباد الله ، فان الله عز وجل لم يُنْزِلْ داء إلا أنزل معه شفاء إلا الموت والهرم» یعنی: ای بندگان الله (مریضی هایتان را) معالجه و درمان کنید، چرا که خداوند عزوجل هیچ مرضی را نازل نکرده مگر آن که همراه آن شفاء نیز فرستاده است، به جز مرگ و پیری.

و باز در روایت دیگری از امام احمد آمده: «فان الله لم ينزل داء الا انزل له شفاء، علمه من علمه، وجهله من جهله» یعنی: خداوند متعال هیچ درد و مرضی را نفرستاده مگر آن که برای آن شفاء نیز نازل کرده است، بعضی، سخنان ایشان را فهمیدند و برخی دیگر نفهمیدند.

ثانیاً: یکی از سنتهای الهی در کائنات، نظام اسباب و مسببات است، یعنی الله تعالی برای انجام هر عملی سببی را قرار داده است. البته این بدین معنا نیست که الله تعالی بدون سبب نمی تواند کاری را به نتیجه برساند، چرا که اولاً خود سبب هم یکی از مخلوقات باری تعالی است و خود سبب هم را لازمست تا خداوند آن را اراده و خلق کند.

بر این اساس کسی که خواهان رزق و روزی است، باید اسباب آن را فراهم کند و اسباب آن هم تلاش و کوشش برای یافتن رزق حلال است، هرگاه فرد این اسباب را به کار بست، خداوند نیز بر طبق سنت خویش به آن شخص رزق می بخشد. یا آن که هرکسی که مریض گشت، خداوند برای مداوای مرضش اسبابی را قرار داده است و تا شخص مریض آن اسباب را به کار نبندد، مرضش مداوا نخواهد شد، زیرا سنت الهی بر این قرار گرفته است که تا حرکت نباشد برکت هم نخواهد بود. البته باز یادآوری می شود که این امر به طور مطلق برقرار نیست، یعنی اینگونه نیست که اگر شخصی اسباب را به کار نبندد پس خداوند هم قادر نخواهد بود نتیجه را فراهم آورد، چنان که می بینیم که مریم بنت عمران علیها السلام در محراب عبادت می کرد و بدون آن که تلاشی برای به دست آوردن طعام و غذا کند، خداوند برایش رزق و روزی می رساند:

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره آل عمران ۳۷)

یعنی: خداوند، او (مریم) را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.»

بنابراین خداوند متعال بر هر چیزی قادر است، کافیت تا اراده کند و آن چیز روی دهد:

«بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (سوره بقره ۱۱۷)

یعنی: هستی بخش آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می‌شود.

با این وجود خداوند متعال چنین تقدیر کرده است که تا بنده اش تلاش و همت نکند، نتیجه مطلوب را به وی عطا نمی کند و این سنتی خدائی است، و بالعکس گاهی خداوند متعال بر اساس اراده اش چنین تقدیر می کند که شخصی هرچند اسباب را به کار بسته است ولی باز به هدف و مقصود نمی رسد و اینجاست که گویند حکمت الهی بر خلاف سنت رایج رقم خورد.

مثلاً شخصی که مریض است او باید برای رفع مرض خود اسباب شرعی را به کار ببندد و نباید در منزل بنشیند و کاری نکند، زیرا شفای او در اینست تا اسبابی را که خداوند متعال برایش قرار داده (از قبیل طبیب و دارو و دعا کردن و یا رقیه شرعی) به کار ببندد، پس از آن که شخص مریض تمامی اسباب لازمه و شرعی را برای رفع مرض خود به کار بست، نتیجه تلاش او در دست خداوند متعال است: اگر الله تعالی اراده کرد پس آن اسباب را برایش سببی جهت شفاء قرار می دهد و مریضی اش بهبودی می یابد. و اگر اراده نکردند، پس هرچند که اسباب را به کار بسته است ولی چون اراده الله تعالی با خواست ما متضاد بوده است، پس نتیجه چیزی خواهد شد که خداوند متعال می خواهد، زیرا

حکمت الهی بر آن قرار گرفته است، ولی از آنجائی که ما از اراده خداوندی اطلاعی نداریم ، چرا که ما بر او تسلط نداریم - پس نباید به این فکر باطل که؛ آری اگر خدا بخواهد خوب می شویم و اگر نخواست خوب نمی شویم پس نیازی نیست به نزد داکتر مراجعه نمائیم و یا کاری کنیم، اسباب لازم و شرعی را به خدمت نگیریم، چرا که ما نمی دانیم که خداوند چه چیزی اراده کرده اند، چه بسا اگر اسباب را به خدمت می گرفتیم خداوند نیز مریضی ما را شفاء می داد! بنابراین : چون در نظام کائنات سنت اسباب و مسببات برقرار است، لذا تا حرکتی صورت نپذیرد، برکتی هم حاصل نمی شود مگر آن که خداوند چیز دیگری بخواهد.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست :

معلومات مؤجز
ترجمه آیات
محتوای سوره
شان نزول سوره اخلاص
فضیلت سوره اخلاص
تفسیر و بیان آیات
سوره اخلاص معادل یک سوم قرآن است
تداوی با سوره اخلاص
رقی چیست
شروط رقیه
رقیه ممنوع

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- امام سیوطی کتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور

- تفسير في ظلال القرآن/ سيد قطب (متوفى سال ١٣٨٧ هـ)

- تفسير نور تآليف دكتور مصطفى خرم دل

- تفسير كابلئ

- صحيح مسلم

- صحيح البخارى